

## **Explaining the Nature and Effects of Wife Alimony in Islamic Denominations with an International Approach**

**Muhammad Jawād Ḥidayrīyān Dulat Ābādī**<sup>\*</sup>  
**Rasūl Mazāhirī Kūhānistānī**<sup>\*\*</sup>

(Received: 03/16/2019; Accepted: 07/26/2020)

### **Abstract**

In line with international rules and standards that call for family members to be completely independent of each other, Islamic law and jurisprudence (Article 1118) also seek to strengthen family ties with tools. Among these tools and mechanisms is the obligation of alimony for women on men; Islam has attached special importance to giving women financial rights, including alimony. According to verses and hadiths, alimony is obligatory on men. In this regard, except for minor issues such as the cost of treatment, there is a consensus among jurists. Therefore, this right can be claimed and enforced and if a man refuses to pay the alimony, it can be claimed as a legal issue with execution guarantee. In this study, what is examined comparatively using a descriptive analytical approach is the presentation of a clear and obvious model of the effects of alimony payment in the existing Islamic denominations.

**Keywords:** Marriage, Wife Alimony, Tamkīn (Sexual Obedience), Husband, Wife, Islamic Denominations.

---

\* Bachelor's Graduate in Law, University of Isfahan, Isfahan, Iran, [mj.heydarian@mehr.ui.ac.com](mailto:mj.heydarian@mehr.ui.ac.com).

\*\* Assistant Professor, Department of Law, University of Isfahan, Isfahan, Iran (Corresponding Author), [r.mazaheri@ase.ui.ac.ir](mailto:r.mazaheri@ase.ui.ac.ir).

## تبیین ماهیت و آثار مترتب بر نفقه زوجه در مذاهب اسلامی با رویکرد بین‌المللی

محمدجواد حیدریان دولت‌آبادی\*

رسول مظاهری کوهانستانی\*\*

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۰۵]

### چکیده

همگام با قوانین و معیارهای بین‌المللی که اعضای خانواده را به استقلال کامل از یکدیگر فرامی‌خواند، قوانین و فقه اسلامی (ماده ۱۱۱۸ ق.م.) نیز در صددند پیوندهای اعضای خانواده را با ابزارهایی استوار کنند. از جمله این ابزارها و سازوکارها، وجوب نفقه زن بر مرد است؛ اسلام به دادن حق مالی زنان، از جمله نفقه، اهمیتی ویژه داده است. نفقه، به تصریح آیات و روایات، بر عهده مرد واجب شده است. در این زمینه، جز در موضوعات جزئی مثل هزینه درمان میان فقها اتفاق نظر وجود دارد. بنابراین، این حق را می‌توان مطالبه و استیفا کرد و در صورت امتناع مرد از ادای آن، می‌توان آن را در حکم موضوعی حقوقی که ضمانت اجرا دارد، مطالبه کرد. آنچه به شیوه‌ای تطبیقی و با رویکرد تحلیلی توصیفی در این پژوهش بررسی می‌شود، عرضه مدلی واضح و روشن از آثار مترتب بر انفاق همسر در مذاهب موجود اسلامی است.

**کلیدواژه‌ها:** نکاح، نفقه زوجه، تمکین، زوج، زوجه، مذاهب اسلامی.

\* کارشناس حقوق، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران [mj.heydariyan@mehr.ui.ac.com](mailto:mj.heydariyan@mehr.ui.ac.com)

\*\* استادیار گروه حقوق، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول) [r.mazaheri@ase.ui.ac.ir](mailto:r.mazaheri@ase.ui.ac.ir)

## مقدمه

از نظر فقه اسلام، تأمین هزینه خانواده، از جمله مخارج شخصی زن، به عهده مرد است، خواه زن مسلمان باشد یا نامسلمان؛ فقها بر سر این موضوع اتفاق نظر دارند، مشروط به آنکه نکاح به نحو صحیح واقع شده باشد؛ و چنانچه معلوم شود که نکاح فاسد بوده، زوج حق رجوع دارد. تأمین هزینه‌های زن به دست مرد صرفاً شامل چیزهایی نیست که زن قادر به تأمین آن نیست؛ چنانچه زن ثروت کلانی هم داشته باشد ملزم به تأمین هزینه‌های شخصی از اموال خویش نیست. از جمله مبانی فقهی لزوم پرداخت نفقه زوجه می‌توان از کتاب، سنت، اجماع و عقل یاد کرد. ماهیت نفقه یا به صورت تملیکی است، یعنی مرد نفقه را به ملکیت زن درمی‌آورد و زن می‌تواند هر گونه تصرفی در آن بکند؛ یا انتفاعی (امتاعی) است، یعنی مرد نفقه را به ملکیت زن در نمی‌آورد، بلکه آن را در اختیار وی قرار می‌دهد تا از آن بهره‌مند شود. فقها در تشخیص ماهیت حق زن بر نفقه اختلاف نظر دارند؛ یعنی میان اموالی که با استفاده از آن، عین باقی می‌ماند و اموالی که با استفاده از آن، عینی باقی نمی‌ماند و تلف می‌شود، تفاوت قائل شده‌اند. همچنین، در میزان نفقه، مقدار خاصی مشخص نشده و در این خصوص و مصادیق آن در میان فقها اختلاف نظر دیده می‌شود.

## ۱. مفاهیم

### ۱.۱. مال

فقها درباره مال و آنچه مالیت دارد، تعریف روشنی مطرح نکرده‌اند، ولی در کتاب مکاسب به ویژگی‌هایی از مال اشاره شده است، از جمله اینکه قابلیت تملک و قابلیت انتفاع داشته باشد (انصاری، ۱۳۸۹: ۱۲۱). از نظر حقوق دانان، مال چیزی است که در برابر آن چیزی به رسم معاوضه می‌دهند و آن چیز ارزش معاوضه دارد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶: ۳۳۷/۳). از نظر شهیدی، مال چیزی است که ارزش اقتصادی دارد (شهیدی، ۱۳۸۳: ۲۸۴). همچنین، مال به چیزی می‌گویند که دو شرط اساسی داشته باشد: ۱. مفید باشد و نیازی را برآورد، خواه آن نیاز مادی باشد یا معنوی؛ ۲. قابلیت اختصاص یافتن به شخص یا ملت معین را داشته باشد (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۹)؛ یا چیزی است که ارزش داد و ستد دارد و در برابر آن پول یا مال دیگر داده می‌شود (الکسی ویل، به نقل از: کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۱۰).

### ۲.۱. نفقه

از نظر مفهوم لغوی، «نفقه» واژه‌ای است عربی که به هزینه، خرج و مخارج زندگی و ... ترجمه شده است (آذرتاش، ۱۳۹۰: ۷۰۶). در فرهنگ دهخدا، به روزمره‌ای که برای زن و فرزند و اهل و عیال مقرر کنند تعبیر شده است (دهخدا، ۱۳۸۵: ۳۰۲۰/۲). فقها بیشتر به مصادیق نفقه پرداخته‌اند تا به تعریف آن. در اصطلاح فقهای اسلام، به تأمین مخارج ضروری همسر، اقارب، کنیز، غلام، اعم از خوراک، پوشاک، مسکن، اثاث خانه و غیره اطلاق می‌شود (حلی، ۱۳۸۹: ۳۴۹) و هزینه‌ای است که برای تأمین مخارج زندگی به محض انعقاد عقد ازدواج به نفع زن بر عهده مرد قرار می‌گیرد. برخی از حقوق‌دانان در تعریف «نفقه» گفته‌اند هر چیزی که بر حسب متعارف، زن به آن احتیاج داشته باشد (صفایی و امامی، ۱۳۷۸: ۱۵۱/۱)؛ یا هنگامی که گفته می‌شود: «انفق ماله» یعنی مالش را خرج و مصرف کرد (ابن‌منظور، ۱۳۷۵: ۳۵۷/۱). به بیان دیگر، رفع نیازهای مالی زن و هزینه گذراندن زندگی خانواده را «نفقه» می‌گویند.

### ۳.۱. «تمکین»

دهخدا در تعریف «تمکین»، آن را، توانا و قادر گردانیدن بر چیزی، اطاعت زن از شوهر و فرمان‌برداری کردن او و حاضر بودن زوجه در بهره‌مندشدن زوج از او بیان کرده است (دهخدا، ۱۳۸۵: ۷۸۱/۱). در کتب فقهی، این واژه فاقد عنوان مستقل است و در بحث از آن، یکی از شرایط وجوب نفقه بر مرد تمکین کامل زن از وی است. تمکین، خود بر دو گونه است:

#### الف. تمکین عام

تمکین عام به معنای قبول ریاست شوهر بر خانواده و محترم‌شمردن اراده او در تربیت فرزندان و اداره مالی و اخلاقی خانواده است (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۲۲۸). تمکین در معنای عام، آن است که زن وظایف خود را در قبال شوهر انجام دهد و از او در حدود قانون و به نحو متعارف اطاعت کند و ریاست شوهر را در خانواده بپذیرد (صفایی و امامی، ۱۳۷۸: ۲۲۸).

#### ب. تمکین خاص

از تمکین خاص با عنوان «تمکین کامل» نام برده می‌شود. فقیهان معتقدند تمکین کامل عبارت است از: «و هو التخلية بينها و بينه، بحيث لا تخصّ موضعا و لا وقتا» (عاملی جبعی،

تبیین ماهیت و آثار مترتب بر نفقه زوجه در مذاهب اسلامی با رویکرد بین‌المللی / ۱۰۳

۱۴۱۶: ۴۳۹/۸؛ تمکین کامل یعنی زن میان خویش و شوهرش حائلی قرار ندهد؛ اگر در زمان یا مکان‌هایی که مانع شرعی و عقلی برای استمتاع زوج از وی وجود ندارد خود را تسلیم شوهر نکند تمکین حاصل نمی‌شود.

## ۲. مبنای فقهی وجوب نفقه زوجه

فقه‌های همه مذاهب بر وجوب نفقه زوجه اتفاق نظر دارند، خواه زوجه مسلمان باشد یا کافر، مشروط به آنکه نکاح صحیح باشد. چنانچه نکاح فاسد باشد زوج می‌تواند به آنچه به عنوان نفقه به زوجه پرداخت کرده است رجوع کند. وجوب آن در قرآن، سنت، اجماع و عقل اثبات‌پذیر است (حصکفی، ۱۳۸۶: ۵۷۲). فقه‌های امامیه برای اثبات وجوب نفقه زوجه به کتاب، سنت و اجماع تمسک جسته‌اند. علاوه بر آن، فقه‌های اهل سنت به قیاس و عقل تمسک کرده‌اند (عاملی جبعی، ۱۴۱۶: ۴۳۹/۸).

### ۲. ۱. ادله امامیه بر وجوب نفقه زوجه

#### الف. آیات قرآن کریم

۱. مهم‌ترین آیه‌ای که فقه‌های امامیه (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۲۹/۴) برای وجوب نفقه زوجه به آن استناد کرده‌اند، آیه «لَیَنْفِقُ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ وَ مَن قُدِرَ عَلَیْهِ رِزْقُهُ فَلَیْئِنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا یُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَیِّجَعُلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ یُسْرًا؛ مرد توانگر باید از وسعت خود انفاق کند و آن که تنگ‌دست و فقیر باشد از آنچه خدا به او داده انفاق کند. خداوند هیچ کس را جز به اندازه آنچه که به او داده تکلیف نمی‌کند» (طلاق: ۷). خداوند در این آیه به طور مطلق امر به انفاق کرده که هر کسی به اندازه توانایی خویش انفاق کند و آن کس که رزق و روزی‌اش کم است و تنگ‌دست، به میزان آنچه خداوند به او ارزانی داشته بخشش و انفاق کند.

۲. آیه «عَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَ كِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ؛ خوراک و پوشاک مادر کودک، بر عهده پدر کودک است» (بقره: ۲۳۳). در این آیه خداوند پدران را به تأمین خوراک و پوشاک مادران به نحو متعارف ملزم کرده است. بسیاری از علما به منظور استدلال بر وجوب نفقه به این آیه تمسک جسته‌اند (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۰۱/۳۱؛ عاملی جبعی، ۱۴۱۶: ۴۳۸/۸).

### ب. سنت (روایات)

روایات بسیاری نیز در زمینه وجوب نفقه زوجہ وارد شده که مستند فتوای علما قرار گرفته، از جمله روایتی که امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است: «ملعون ملعون من ضیع من یعول»؛ «مشمول لعن و نفرین است کسی که خانواده خویش را ضایع کند» (حر عاملی، ۱۴۱۲: ۵۴۳/۲۱). همچنین، امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که زنی خدمت رسول اکرم رسید و از حق زوجہ بر زوج پرسید که در پاسخ فرمودند: «یکسوها من العری و یطمعها من الجوع و اذا اذنبت غفر لها»؛ «مرد بایستی که زن را بپوشاند، شکم او را سیر کند و اگر زن متوجه جهالتی شده است، وی را ببخشد» (کلینی، ۱۳۷۱: ۵۱۱/۵). و رسول خدا صلی الله علیه و آله در حجة الوداع فرمود: «الا حقهن علیکم ان تحسنوا الیهن فی کسوتهن طعامهن»؛ «آگاه باشید که حق همسران بر شما آن است که در پوشاک و خوراک با آنها احسان و خوش رفتاری کنید»؛ و فرمود: «اکمل المؤمنین ایماناً احسنهم خلقاً و خیارکم خیارکم لنسائهم»؛ «از مؤمنین هر کس که به هر اندازه خلقتش نیکوتر و زنداری اش بهتر است به همان نسبت ایمانش کامل تر است». رفتار اولیای خدا با همسرانشان بهترین سرمشق برای دیگران است و چه بسا به سبب تحمل ناراحتی‌های زناشویی به مقاماتی از روحانیت و معنویت رسیدند (فهری، ۱۳۷۵: ۴۵۹).

### ج. اجماع

اصل وجوب نفقه، موضوعی است اجماعی که همه فرق اسلامی بر آن اتفاق نظر دارند (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۰۱/۱۳). هر چند چنین اجماعی با وجود کتاب و سنت، مدرکی است و بیشتر جنبه مؤید بودن دارد و ارزش استدلالی ندارد.

## ۲. ۲. ادله مذاهب اهل سنت بر وجوب نفقه

### الف. آیات قرآن کریم

فقه‌های اهل سنت، از جمله کاسانی، شافعی و ...، به آیاتی از قرآن مجید درباره اثبات وجوب نفقه استناد کرده‌اند، نظیر آیه «علی المولود له رزقهن و کسوتهن بالمعروف» (بقره: ۲۳۳). خداوند در این آیه، نفقه مادران را بر زوج واجب کرده، و در آیه «لینفق ذو سعة من سعته و من قدر علیه رزقه فلینفق مما آتاه الله لا یكلفه الله نفساً الا ما آتاه» (طلاق: ۷) نفقه زن به اندازه توان و قدرت مالی زوج بر وی واجب شده است (ابن‌رشد، ۱۴۱۵: ۳۰۹/۴).

همچنین، در آیه «اسکنوا هن من حیث سکتتم من وجدکم» (طلاق: ۶) امر به اسکان، امر به انفاق است. چون زن نفقه‌ای کسب نمی‌کند مگر با خروج از منزل و کسب‌داشتن؛ و نیز خداوند در آیه ۳۴ سوره نساء می‌فرماید: «الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض و بما انفقوا من اموالهم» (زمخشری، ۱۴۰۴: ۱/۵۰۵، ۵۰۶). در این آیه انفاق بر عهده مردان دانسته شده است. چون سرپرست خانواده‌اند و این سرپرستی به سبب نکاح است.

### ب. سنت (روایات)

تعدادی از علمای اهل سنت، نظیر کاسانی (کاسانی، ۱۴۱۸: ج ۴)، در این زمینه به روایاتی استناد کرده‌اند، از جمله روایتی که جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر اکرم ﷺ نقل کرده و بر اساس آن در حجة‌الوداع آن حضرت خطاب به مردم فرمودند: «اتقوا الله فی النساء، فأنکم اخذتموهن بأمان الله، واستحللتنم فروجهن بکلمة الله و لکم علیهن أن لا یوطئن فرسکم احداً تکرهونه، فان فعلن، فأضربوهن ضرباً غیر مبدح و لهن علیکم رزقهن و کسوتهن بالمعروف»؛ «راجع به زن‌ها از خدا بترسید که آنها امانت‌های الهی نزد شما هستند و شما رابطه زناشویی با آنها را با سخن خداوند بر خود حلال کرده‌اید. آنها احدی را که شما کراهت دارید در فراشتان داخل نکنند. اگر این عمل را انجام دادند آنها را بزیند اما ضربه‌ای که شدید و سخت نباشد، پس روزی و لباس آنها به اندازه متعارف بر شما واجب است» (قشیری نیشابوری، ۱۴۱۹: ۸۸۹/۲).

روایت دیگر حدیثی است که عایشه نقل می‌کند: «و جاءت هندُ الی رسول الله ﷺ قالت: یا رسول الله! ان أبا سفیان رجل شحیح، و لیس یعطینی ما یکفینی و ولدی إلا ما اخذت منه و هو لا یعلم، فقال: خذی ما یکفیک و ولدک بالمعروف»؛ «هند به پیامبر ﷺ گفت: ای رسول خدا! اوسفیان مرد خسیسی است و چیزی که من و فرزندم را کفایت کند به من نمی‌بخشد، مگر آنکه در حال بی‌خبری از او بردارم. آن حضرت فرمود آنچه تو و فرزندان را به معروف کفایت می‌کند بردار» (همان: ۱۳۳۸/۳).

### ج. اجماع

اصل وجوب نفقه، اجماعی است و همه مذاهب پنج‌گانه بر آن اتفاق نظر دارند (ابوزهره، ۱۹۸۵: ۲۹۶؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۳۰۱/۳۱).

### ۳. شرایط وجوب و مصادیق نفقه زوجه

فقه‌های اسلام، از جمله نجفی، عاملی جبعی (شهید ثانی)، و موسوی خمینی اتفاق نظر دارند که نفقه از لوازم عقد دائم است. در ازدواج موقت نفقه زوجه بر عهده زوج نیست (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۰۳/۳۱؛ عاملی جبعی، ۱۴۱۶: ۴۳۸/۸؛ موسوی خمینی، ۱۴۲۴: ۴۵/۲)، مگر آنکه در ضمن عقد شرط شده باشد یا اینکه عقد مبنی بر آن جاری شده باشد.

#### ۳. ۱. دیدگاه فقهای امامیه

نزد فقهای امامیه، درباره سبب وجوب نفقه دو قول مطرح است: قول اول: مجرد عقد نکاح برای وجوب نفقه کافی است و فقط نشوز باعث استمرار نیافتن وجوب می‌شود. بنابراین، پس از محقق شدن نشوز، نفقه زوجه ساقط می‌شود (حکیم، ۱۴۰۰: ۳۰۳/۲). تردیدی میان فقهای نیست که زن در حالت نشوز مستحق نفقه نیست، و این از مسلمات فقه است.

قول دوم: مشهور فقهای شرط وجوب نفقه را تمکین کامل دانسته‌اند (حلی، ۱۴۰۳: ۵۶۸/۲؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۳۰۳/۳۱؛ موسوی خمینی، ۱۴۲۴: ۲۸۰/۲).

گروهی دیگر از فقهای شرط تمکین برای وجوب نفقه را رد می‌کنند و معتقدند زن به محض اطاعت از زوج مستحق نفقه می‌شود و ایشان نه نشوز را مانع، و نه تمکین را واجب می‌دانند (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۰۳/۳۱ به بعد).

برخی دیگر از فقهای، از جمله حکیم و موسوی خوئی معتقدند تمکین شرط استحقاق زن برای دریافت نفقه نیست، بلکه نشوز مانع آن است. بنابراین، به محض اینکه عقد نکاح واقع شود زن مستحق دریافت نفقه از زوج می‌شود (موسوی خوئی، ۱۴۱۰: ۲۸۹/۲، مسئله ۱۴۰۹؛ حکیم، ۱۴۱۰: ۳۰۶/۲، مسئله ۶).

#### ۳. ۲. دیدگاه فقهای اهل سنت

علمای اهل سنت درباره وجوب نفقه دو دیدگاه دارند: الف. مالکی‌ها، حنبلی‌ها و شافعی‌ها، تمکین زوجه را از اسباب وجوب پرداخت نفقه به وی می‌دانند و معتقدند آیات ناظر به وجوب نفقه، اطلاق دارد و وجوب نفقه منوط به تمکین نشده است. همچنین، گفته‌اند قاعده جزاء الاحتماس اقتضا می‌کند زنی که برای



تبیین ماهیت و آثار مترتب بر نفقه زوجه در مذاهب اسلامی با رویکرد بین‌المللی / ۱۰۷

امکان استیفای حق شوهرش محبوس، و از کسب درآمد محروم شده، شوهرش باید مخارجش را تأمین کند و این قاعده نیز اطلاق دارد (جانم، بی‌تا: ۲۲۷).

ب. حنفی‌ها معتقدند سبب وجوب نفقه عقد نکاح صحیح است.

### ۳.۳. مصادیق نفقه

در بیان مصادیق نفقه میان فقها اختلاف‌هایی وجود دارد که این اختلاف‌ها به مسائلی چون وضعیت زمانی و عرف‌های گوناگون مناطق برمی‌گردد. در کتب فقهی امامیه انواع نفقه را برشمرده‌اند: خوراک، پوشاک، رختخواب، فرش و وسایل استراحت، وسایل طبخ و آشپزی، مسکن متناسب، و خدمتکار، در صورتی که در خانه پدری خدمتکار داشته یا با در نظر گرفتن وضعیت جسمانی یا بیماری وی (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۳۵/۳۱). درباره پرداخت هزینه درمان زوجه فقهای امامیه تردید کرده‌اند. برخی به طور کلی هزینه دارو را جزء نفقه محسوب نکرده‌اند (حلی، ۱۴۰۳: ۳۴۹/۲) و عده‌ای هزینه بیماری‌های عادی را جزء نفقه دانسته‌اند، اما راجع به بیماری صعب‌العلاج، که مستلزم هزینه سنگین است، تردید کرده‌اند (موسوی خمینی، ۱۴۲۴: ۳۱۷/۲).

در این زمینه میان فقهای اهل سنت اختلافاتی دیده می‌شود. مالکیان هزینه‌های دارو را واجب دانسته‌اند و استدلال کرده‌اند که اینها برای حفظ جان زوجه است و حفظ جان وی واجب است. لذا هزینه‌های درمان واجب است (الجزیری، ۱۹۹۰: ۵۵۸/۴). بنا به عقیده فقهای حنفیه، مخارج درمان زوجه واجب نیست. زیرا این موضوع مربوط به نفقه نیست. در صورتی که زن توانگر باشد از دارایی زن پرداخت می‌شود و چنین استدلال کرده‌اند که واجب‌بودن پرداخت مخارج درمان گاهی معقول است، به‌ویژه اگر زن و شوهر هر دو توانگر یا نیازمند باشند، یا زن غنی و مرد فقیر باشد. اگر مرد یا زن به‌تنهایی توانگر باشد، زن می‌تواند خود را معالجه کند. ولی اگر مرد فقیر باشد و برای تهیه قوت روزانه‌اش با زحمت بسیار روبه‌رو باشد طبیعی است که نمی‌توان مرد را به پرداخت هزینه درمان زن ملزم کرد. اما اگر زن فقیر و شوهر غنی باشد قاعده کلی اسلام مرد را به انجام‌دادن این کار ملزم خواهد کرد، اما بنا به عقیده شافعیه و حنابله مرد ملزم به پرداخت هزینه درمان زوجه نیست (جانم، بی‌تا: ۲۶۴).

#### ۴. ملاک تعیین میزان و مقدار نفقه

در این باره در میان فقهای پنج‌گانه سه دیدگاه وجود دارد:

##### ۴. ۱. توان اقتصادی شوهر

ملاک در تعیین مقدار نفقه حال زوج است. برخی از علمای امامیه (طوسی، ۱۳۶۱: ۶/۶)، حنفیه (جزیری، ۱۳۶۹: ۴/۴۹۳) و شافعیه (شریبی، ۱۳۷۲: ۵/۱۵۲) معتقدند ملاک در تعیین میزان نفقه، حال زوج از جهت توانگری و فقر است. بنابراین، وفق این دیدگاه، زوج باید متناسب با وضعیت خود از حیث فقر و غنا به همسرش نفقه پرداخت کند. مهم‌ترین ادله این دسته از فقها چنین است:

– آیه «لینفق ذو سعة من سعته و من قدر علیه رزقه فلینفق مما آتاه الله لا یكلف الله نفساً إلا ما آتاه سیجعل الله بعد عسر یسراً» (طلاق: ۷). طبق این آیه، هر کس به اندازه وسع و توانایی‌اش انفاق می‌کند. کسی که در روزی‌اش گشایش است بر حسب حال خود و با گشاده‌دستی، و کسی که کم‌رزق و تنگ‌دست است به میزان آنچه خدا به او بخشیده است انفاق می‌کند.

– آیه «أسکنوهن من حیث سکتتم من و جدکم» (طلاق: ۶)؛ در این آیه دستور داده شده است که مردان به اندازه توان و قدرت مالی‌شان به زنان نفقه پرداخت کنند.

##### ۴. ۲. وضعیت زوجه

از جمله فقهای مدافع این دیدگاه می‌توان از حلی و نجفی (حلی، ۱۴۰۳: ۲/۲۹۳؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۳۱/۲۳۰) یاد کرد که به آیه «عاشروهن بالمعروف» (نساء: ۱۹) استناد می‌کنند و معتقدند طبق این آیه معاشرت به معروف این است که زوج آنچه را زوجه به آن نیاز دارد متناسب با وضعیت و شأن خانوادگی او تأمین کند. همچنین، آیه «علی المولود له رزقهن و کسوتهن بالمعروف» (بقره: ۲۳۳) که بر اساس آن شاید بتوان گفت مهم‌ترین دلیل فقهای امامیه برای رعایت شأن زنان این است که «اضافه‌شدن (رزق) و (کسوة) به «هن» در «رزقهن» و «کسوتهن» دال بر آن است که در پرداخت نفقه و پوشاک باید شأن زن در نظر گرفته شود (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۱/۳۳۲).

#### ۳.۴. حال زوجین

در این دیدگاه، ملاک در تعیین و میزان نفقه منوط به حال و وضعیت هر کدام از زوجین است. چنانچه زوجین هر دو از نظر مالی غنی و ثروتمند باشند برای زوجه نفقه فرد ثروتمند در نظر گرفته می‌شود. ولی چنانچه زوجین هر دو فقیر و مسکین باشند برای نفقه زوجه وضعیت عسرت در نظر گرفته می‌شود. چنانچه یکی از زوجین فقیر و نदार، و دیگری ثروتمند و غنی باشد نفقه بر حسب حال و وضعیت هر دو تعیین می‌شود (جزیری، ۱۹۹۰: ۴۹۳/۴). کاتوزیان این نظر را می‌پذیرد و می‌گوید ملاک تعیین نفقه نباید فقط وضعیت زن قرار داده شود، همچنان که اگر زنی ثروتمند با کارگر ساده‌ای ازدواج کند نمی‌تواند از او انتظار فراهم آوردن زندگی اشرافی داشته باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۱۷۴/۱).

#### ۵. ضمانت اجرای امتناع از پرداخت نفقه

فقه‌های اهل سنت، با استناد به دستور پیامبر اکرم ﷺ به همسر ابوسفیان، معتقدند در فرض وجود ثروت نقدی و امتناع زوج از پرداخت نفقه به زوجه، زوجه می‌تواند بدون لزوم ترافع به اندازه نیاز متعارف خود از مال زوج بردارد و در چنین فرضی حق تقاضای طلاق ندارد (ابن‌قده، ۱۳۸۸: ۲۳۹/۹). اما فقه‌های امامیه می‌گویند زن باید به حاکم مراجعه، و الزام شوهر به پرداخت نفقه را درخواست کند. چنانچه شوهر به میل خود اقدامی نکرد، حاکم از اموال نقدی وی به اندازه لازم برمی‌دارد و برای تأمین مخارج به زوجه می‌دهد (نجفی، ۱۴۰۴: ۸۸۳/۳۱).

چنانچه مرد از پرداخت نفقه امتناع کند و اموال غیرنقدی از قبیل باغ و ... داشته باشد، بنا بر نظر فقه‌های امامیه و اهل سنت، به جز ابوحنیفه، حاکم می‌تواند این‌گونه اموال را بفروشد و صرف مخارج زن کند (ابن‌قده، ۱۳۸۸: ۲۴۵/۹). اما ابوحنیفه آن را جایز نمی‌داند و معتقد است چنانچه مرد ثروتمند باشد و اموالش را پنهان کرده باشد حداقل تا ۳ ماه به زندان افکنده می‌شود تا مجبور به پرداخت نفقه شود. دیگر فرقی عامه معتقدند مرد به پرداخت نفقه اجبار می‌شود و در صورت امتناع، بین وی و همسرش مفارقت افکنده می‌شود (همان: ۲۴۶/۹).

به باور بیشتر فقه‌های امامیه، حبس کردن مرد مقدمه‌ای برای پرداخت نفقه زن است. یعنی حاکم اولاً مرد را ملزم به انفاق کرده و ثانیاً در صورت ناممکن بودن دادن نفقه، مرد

به طلاق زن ملزم می‌شود (حر عاملی، ۱۴۱۲: ۵۱۰/۲۱). بر همین اساس، ماده ۱۱۲۹ قانون مدنی ایران مقرر می‌دارد: «در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه و عدم امکان اجرای حکم محکمه و الزام او به دادن نفقه زن می‌تواند برای طلاق به حاکم رجوع کند و حاکم شوهر را اجبار به طلاق می‌نماید».

### ۶. طبیعت فقهی حق زن بر نفقه

اگر زن مالک چیزی شده که به عنوان نفقه دریافت کرده است، آیا حق دارد در آن تصرفات مالکانه کند؟ به نظر فقها، اگر فقط مأذون در انتفاع باشد، بدون اجازه مالک و صاحب مال حق تصرفات مالکانه نخواهد داشت و فقط حق استفاده از آن را دارد (صدر، ۱۴۲۰: ۲۸۱/۶). در صورت افراط و تفریط، در برابر شوهر مسئول خواهد بود.

درباره تملیک یا حق انتفاع از نفقه دو دیدگاه وجود دارد:

#### ۶. ۱. اموالی که با انتفاع از آنها عین تلف می‌شود.

درباره اموالی همچون خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها، عطر و صابون، با توجه به اراده شوهر و عرف و عادت، به عقیده فقهای امامیه، می‌توان زن را مالک آنها تلقی کرد. زیرا انتفاع از آنها جدای از مالیتشان نیست و به محض انتفاع تلف می‌شوند. به علاوه کلمه «انفقوا» که در آیه ۳۴ سوره نساء ذکر شده، دلالت بر خروج این اموال از ملک مرد دارد که در این باره فقها و حقوق‌دانان اتفاق نظر دارند (عاملی، ۱۴۱۶: ۴۷۲/۵؛ خویی، ۱۴۱۰: ۳۹۵؛ کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۱۷۶/۱؛ صفایی و امامی، ۱۳۷۸: ۱۵۲).

#### ۶. ۲. اموالی که با انتفاع از آنها تلف نمی‌شوند.

این دسته اموالی است مانند مسکن خادم، اثاث خانه، لباس و غیره که با انتفاع از آنها عین مال نابود و تلف نمی‌شود. لذا لازم است زن در استفاده از آنها تفریط و افراط نکنند و حق هیچ‌گونه تصرف حقوقی در آنها را ندارد. همچنین، در این موضوع که زن مالک منافع خادم و امثال آن نیست و فقط می‌تواند از منافع آنها استفاده کند، فقهای امامیه و حقوق‌دانان اختلاف نظر دارند.

### ۳.۶. نتیجه و اثر اختلاف در تملیکی یا انتفاعی بودن نفقه

در تملیکی یا انتفاعی بودن نفقه زن آثاری مترتب است. اگر نفقه به صورت تملیک باشد، زن می‌تواند هر گونه تصرفات مالکانه و حقوقی در آنها انجام دهد. مثلاً می‌تواند چیزی را که به او انفاق شده است بفروشد، اجاره دهد و ... به شرط آنکه با غرض شوهر از انفاق لباس، خوراک و ... به زن منافات نداشته باشد. اما اگر انفاق به زن فقط به قصد انتفاع باشد فروش و ... جایز نیست، مگر اینکه مالک به او اجازه دهد و زوجه فقط به اندازه نیاز خود از چیزهایی که به او انفاق شده است حق استفاده دارد (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۴۹/۳۱).

بنا بر قول انتفاع، زوج می‌تواند چیزهایی را که به زوجه داده است پس بگیرد و کالای دیگری به وی بدهد، اما بنا بر دیدگاه تمکین، زوج فاقد این حق است (همان).

### نتیجه

وجوب نفقه به عنوان مقوله‌ای حقوقی بین فقهای اسلام، موضوعی اجماعی است و آیات و روایات متعدد بر اصل وجوب و قطعی بودن آن دلالت دارد و هیچ‌گونه شک و تردیدی در آن نیست. از مبانی وجوب آن می‌توان به کتاب، سنت، اجماع و عقل اشاره کرد. از حیث ماهیت، فقهای همه مذاهب اتفاق نظر دارند که مسکن و خادم، امتاعی است، ولی در تملیکی یا امتاعی بودن لباس، اثاث منزل و خوراک اختلاف نظر دارند. همچنین، فقها در بیان مصادیق نفقه نیز اختلاف نظر دارند و تا هشت چیز را بر شمرده‌اند. با دقت در ادله وجوب نفقه زوجه تأمین نیازمندی‌های زن بر مرد واجب و لازم است و مصادیق آن در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، گوناگون خواهد بود. آنچه فقها از مصادیق بیان کرده‌اند بیان مصادیق رایج در آن برهه زمانی بوده و جنبه حصری ندارد، بلکه هر چیزی را که از نظر عرف و عادت اجتماعی اقتضا دارد شامل می‌شود.

## منابع

قرآن مجید.

- آذرتاش، آذرنوش (۱۳۹۰). فرهنگ معاصر فارسی به عربی، تهران: نی، چاپ سیزدهم.
- ابن رشد (۱۴۱۵). *بداية المجتهد و نهاية المقتصد*، بیروت: دار الفکر، ج ۴.
- ابن قدامه، عبد الله بن احمد (۱۳۸۸). *المغنی*، بی جا: مکتبه القاهرة.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۳۷۵). *لسان العرب*، قم: دار الکتب الاسلامیه.
- ابو زهره، محمد (۱۹۸۵). *عقد الزواج و آثاره*، قاهره: جامعه الدول العربیه.
- انصاری، مرتضی (۱۳۸۹). *جواهر الکلام*، تهران: انتشارات اسلامی.
- جانم، جمیل فخری محمد (بی تا). *آثار عقد الزواج فی الفقه والقانون*، اردن: حامد، الطبعة الاولى.
- الجزیری، عبد الرحمن (۱۳۶۹). *عرش الرحمن*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- الجزیری، عبد الرحمن (۱۹۹۰). *الفقه علی المذاهب الاربعه*، بیروت: دار الکتب العلمیه، ج ۴.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۶). *دانش نامه حقوقی*، تهران: امیرکبیر، چاپ پنجم، ج ۳.
- حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۱۲). *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل البيت، ج ۲۱.
- حصکفی، محمد بن علی (۱۳۸۶). *الدر المختار*، بیروت: دار الفکر.
- حکیم، محسن (۱۴۰۰). *الاحکام الأسرة الاسلامیه*، بیروت: آفاق العربیه، ج ۲.
- حکیم، محسن (۱۴۱۰). *منهاج الصالحین*، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، الطبعة الاولى، ج ۲.
- حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۳). *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام*، تهران: استقلال، الطبعة الثالثة، ج ۲.
- حلی، یوسف بن مطهر (۱۳۸۹). *ارشاد الاذهان*، تهران: انتشارات کتب اسلامی، ج ۱.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵). *فرهنگ متوسط دهخدا*، تهران: دانشگاه تهران، چاپ اول، ج ۱ و ۲.
- زمخشری، محمد بن عمر (۱۴۰۴). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقویل فی وجوه التأویل*، قم: ادب حوزه، ج ۱.
- شربینی، محمد بن احمد (۱۳۷۲). *سراج المنیر*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- شهیدی، سید مهدی (۱۳۸۳). *حقوق مدنی خانواده*، تهران: مجد، چاپ یازدهم.
- صدر، سید محمد (۱۴۲۰). *ماوراء الفقه*، بیروت: دار الاضواء، الطبعة الاولى.
- صفایی، سید حسین؛ امامی، اسدالله (۱۳۷۸). *حقوق خانواده*، تهران: دانشگاه تهران، ج ۱.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۸). *تفسیر المیزان*، ترجمه: محمدتقی مصباح یزدی، قم: دارالعلم، چاپ دوم، ج ۴.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۱). *تهذیب الاحکام*، تهران: استقلال، چاپ دوم.
- عاملی جبعی (شهید ثانی)، شیخ زین الدین بن علی (۱۴۱۶). *مسالك الافهام فی شرح شرائع الاسلام*، قم:

مؤسسه المعارف الاسلامیة، الطبعة الاولى، ج ۸.

فهری، احمد (۱۳۷۵). شرح و ترجمه صحیفه سجادیه، قم: اسوه، چاپ دوم.

قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج (۱۴۱۹). صحیح مسلم، بیروت: دار الفکر، ج ۲ و ۳.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸). اموال و مالکیت، تهران: گنج دانش، چاپ سوم.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷). قواعد عمومی حقوق مدنی، تهران: سهامی انتشار، ج ۴.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۸). حقوق مدنی خانواده، تهران: شرکت سهامی انتشار، ج ۱.

کاسانی، علاء الدین ابن ابی بکر بن مسعود (۱۴۱۸). بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الاولى، ج ۴.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۱). اصول کافی، اصفهان: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۴۲۴). تحریر الوسیلة، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، الطبعة التاسعة، ج ۲.

موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰). منهاج الصالحین، قم: مدینة العلم، ج ۲.

نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴). جواهر الکلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۱۳ و ۲۳.

## References

The Holy Qurān

- Āzartāsh, Āzarnūsh. 2011. *Farhang-i Mu'āšir-i Fārsī bi 'Arabī (Contemporary Persian to Arabic Dictionary)*, Tehran: Niy, Thirteen Edition. [in Farsi]
- Ibn Rushd. 1994. *Bidāyah al-Mujtahid wa Nihāyah al-Muqtaṣid*, Beirut: Dār al-Fikr, vol.4. [in Arabic]
- Ibn Qudāmih, 'Abdullāh ibn Aḥmad. 2009. *Al-Mughnī*, n.p: Maktabah al-Qāhirah. [in Arabic]
- Ibn Manzūr, Muḥammad ibn Mukarram. 1996. *Lisān al-'Arab*, Qom: Dār al-Kutub al-Islāmīyah. [in Arabic]
- Abū Zuhrih, Muḥammad. 1985. *'Aqd al-Ziwāj wa Āthārih (Marriage Contract and Its Effects)*, Qāhiriḥ: Jāmi'ah al-Duwal al-'Arabīyah (Arab States University). [in Arabic]
- Anṣārī, Murtiḍā. 2010. *Jawāhir al-Kalām (The Jewel of the Word)*, Tehran: Islamic Publications. [in Arabic]
- Jānum, Jamīl Fakhrī Muḥammad. n.d. *Āthār 'Aqd al-Ziwāj fī al-Fiqh wa al-Qānūn (Effects of the Marriage Contract in Jurisprudence and Law)*, Jordan: Ḥāmid, First Edition. [in Arabic]
- Al-Jazīrī, 'Abd al-Raḥmān. 1990. *'Arsh al-Raḥman (Rahman's Throne)*, Beirut: Dār al-Kutub al-'ilmīyah. [in Arabic]
- Al-Jazīrī, 'Abd al-Raḥmān. 1990. *Al-Fiqh 'Alā al-Madhāhib al-Arba'ah (Jurisprudence based on the Four Schools of Thought)*, Beirut: Dār al-Kutub al-'ilmīyah, vol.4. [in Arabic]
- Ja'farī Langirūdī, Muḥammad Ja'far. 1997. *Dānishnāmi-yi Ḥuqūqī (Law Encyclopedia)*, Tehran: Amīr Kabīr, Fifth Edition, vol.3. [in Farsi]
- Ḥurr 'Āmilī, Muḥammad ibn al-Ḥasan. 1991. *Wasā'il al-Shī'ah (Shia Means)*, Qom: The Prophet's Household Institute (Mu'assisah Āl al-bayt), vol.21. [in Arabic]
- Ḥaṣkafī, Muḥammad ibn 'Alī. 2007. *Al-Durr al-Mukhtār (Selected Gem)*, Beirut: Dār al-Fikr. [in Arabic]
- Ḥakīm, Muḥsin. 1980. *Al-Aḥkām al-Usrah al-Islāmīyah (The Rulings of the Islamic Family)*, Beirut: Āfāq al-'Arabīyah, vol.2. [in Arabic]
- Ḥakīm, Muḥsin. 1989. *Minhāj al-Ṣālihīn (Methods of the Righteous)*, Beirut: Al-



- Ta'āruf al-Maṭbū'āt, First Edition, vol.2. [in Arabic]
- Ḥillī, Ja'far ibn Ḥasan. 1982. *Sharā'i' al-Islam fī Masā'il al-Ḥalāl wa al-Ḥarām (Rulings of Islam on Ḥalāl and Ḥarām)*, Tehran: Istiqlāl, Third Edition, vol.2. [in Arabic]
- Ḥillī, Yūsuf ibn Muṭahhar. 2010. *Irshād al-Adhhān (Guidance of the Mind)*, Tehran: Islamic Book Publications, vol.1. [in Arabic]
- Dihkhudā, 'Alī Akbar. 2006. *Farhang-i Mutiwassīṭ-i Dihkhudā (Dihkhudā Medium Dictionary)*, Tehran: University Of Tehran, First Edition, vol. 1 & 2. [in Farsi]
- Zamakhsharī, Muḥammad ibn 'Umar. 1983. *Al-Kashshāf 'an Ḥaqā'iq Ghawāmiḍ al-Tanzīl wa 'Uyūn al-Aqāwīl fī Wujūh al-Ta'wīl (Discovering the Facts about the Mysteries of Revelation and the Prominent Sayings on the Aspects of Interpretation)*, Qom: Adab-i Ḥuzih, vol.1. [in Arabic]
- Shirbīnī, Muḥammad ibn Aḥmad. 1993. *Sirāj al-Munīr (The Bright Way)*, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyah. [in Arabic]
- Shahīdī, Siyyid Mahdī. 2004. *Huqūq-i Madanī-yi Khāniwādih (Family Civil Rights)*, Tehran: Majd, Eleventh Edition. [in Farsi]
- Ṣadr, Siyyid Muḥammad. 1999. *Māwarā' al-Fiḡh (Beyond Jurisprudence)*, Beirut: Dār al-Aḍwā', First Edition. [in Arabic]
- Ṣafāyī, Siyyid Ḥusayn; Imāmī, Asadullāh. 1999. *Huqūq-i Khāniwādih (Family Rights)*, Tehran: University of Tehran, vol.1.
- Ṭabāṭabāyī, Muḥammad Ḥusayn. 1999. *Tafsīr-i al-Mīzān*, Translated by Muḥammad Taqī Miṣbāḥ Yazdī, Qom: Dār al-'Ilm, Second Edition, vol.4. [in Farsi]
- Ṭūsī, Muḥammad ibn Ḥasan. 1982. *Tahdhīb al-Aḥkām (Refinement of Rules)*, Tehran: Istiqlāl, Second Edition. [in Arabic]
- 'Āmilī Juba'ī (Shahīd Thānī), Shiykh Ziyān al-Dīn ibn 'Alī. 1995. *Masālik al-Afhām fī Sharḥ Sharā'i' al-Islam (The Schools of Understanding in the Explanation of Sharā'i' al-Islam)*, Qom: Islamic Teachings Institute, First Edition, vol.8. [in Arabic]
- Fahrī, Aḥmad. 1996. *Sharḥ wa Tarjumi-yi Ṣahīfih-yi Sajjādīyih (Explanation and Translation of Ṣahīfih Sajjādīyih)*, Qom: Uswih, Second Edition. [in Farsi]
- Qushiyārī Niyshābūrī, Muslīm ibn Ḥajjāj. 1998. *Ṣahīḥ Muslim*, Beirut: Dār al-Fikr, vol.2 & 3. [in Arabic]

- Kātūziyān, Nāšir. 1999. *Amwāl wa Mālikīyat (Properties and Ownership)*, Tehran: Ganj-i Dānish, Third Edition. [in Farsi]
- Kātūziyān, Nāšir. 2008. *Qawā'id-i 'Umūmī-yi Ḥuqūq-i Madanī (General Principles of Civil Law)*, Tehran: Intishār Joint-Stock Company. vol.4. [in Farsi]
- Kātūziyān, Nāšir. 2009. *Ḥuqūq-i Madanī-yi Khaniwādih (Family Civil Rights)*, Tehran: Intishār Joint-Stock Company. vol.1. [in Farsi]
- Kāsānī, 'Alā' al-Dīn ibn Abī Bakr ibn Mas'ūd. 1997. *Badā'i' al-Ṣanā'i' fī Tartīb al-Sharā'i'*, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyah, First Edition, vol.4. [in Arabic]
- Kuliynī, Muḥammad ibn Ya'qūb. 1992. *Uṣūl al-Kāfī*, Isfahan: Computer Research Center for Islamic Sciences. [in Arabic]
- Mūsawī Khumiynī, Siyyid Rūḥullāh. 2003. *Tahrīr al-Wasīlah*, Qom: : Islamic Publishing Foundation, Ninth Edition, vol.2. [in Arabic]
- Mūsawī Khūyī, Siyyid Abulqāsim. 1989. *Minhāj al-Ṣālihīn (Methods of the Righteous)*, Qom: Madīnah al-'Ilm, vol.2. [in Arabic]
- Najafī, Muḥammad Ḥasan. 1983. *Jawāhir al-Kalām (The Jewel of the Words)*, Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī, vol.13 & 23. [in Arabic]